



گوروش احمدی

دیپلمات پیشین

در شرایطی که مذاکرات جاری بین ایران و آمریکا و سرنوشت پیش‌نویس موجود مهم‌ترین تحول جاری است، هم‌زمان از اخبار مربوط به احتمال تصویب قانونی در مورد تنگه هرمز در مجلس نیز نباید غافل بود. چنین قانونی اگر بدون بررسی‌ها و مشورت‌های لازم و ملاحظه همه جوانب حقوقی و بین‌المللی مربوطه تصویب شود، می‌تواند برای سال‌ها کشور را درگیر مشکل جدیدی مشابه مشکل قبلی (روپارویی بر سر غنی‌سازی) کند.

متن اولیه طرحی ۹ ماده‌ای برای تنگه هرمز در ۱۳ فروردین در سامانه مجلس بارگذاری شده بود. به گفته عباس گودرزی، سخنگوی هیئت‌رئیس، در این طرح «شناورهای مرتبط با کشورهای متخاصم و شناورهایی که در انجام تکالیف مرتبط با این قانون تخلف کرده‌اند، اجازه تردد از تنگه هرمز را نخواهند داشت». در این طرح، اخذ عوارض ریالی هم پیش‌بینی شده بود. در ۹ خرداد نیز علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیس مجلس، گفت «به‌زودی طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز در مجلس تصویب و قانونی خواهد شد». ایشان گفته است: «کل تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد و حتی نقطه‌های از آن در آب‌های آزاد نیست؛ بنابراین فقط ایران و عمان می‌توانند درباره نحوه مدیریت آن تصمیم‌گیری کنند».

روشن نیست که این طرح آیا واقعا در آستانه تصویب است یا مانند نزدیک به دو ماه گذشته، برخی سخنان را همچنان نباید خیلی جدی گرفت. مسئله این است که مجلس و کشور یک بار در گذشته تجربه تصویب قانونی تحت عنوان «قانون راهبردی لغو تحریم‌ها» در سال ۱۳۹۹ را داشته‌اند؛ قانونی که دست دولت را که مجری سیاست خارجی است، بست و در ایجاد بن‌بست و غیرممکن‌کردن احیای برجام در دولت بایدن بی‌تأثیر نبود. طرح جدید در مورد تنگه هرمز نیز اگر به قانون تبدیل شود، بعید نیست که همان تأثیر را در ارتباط با رفع شرایط جنگی و نیل به حداقلی از توافق با دولت ترامپ داشته باشد.

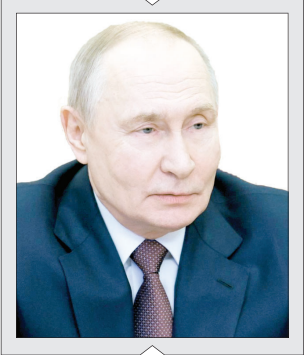
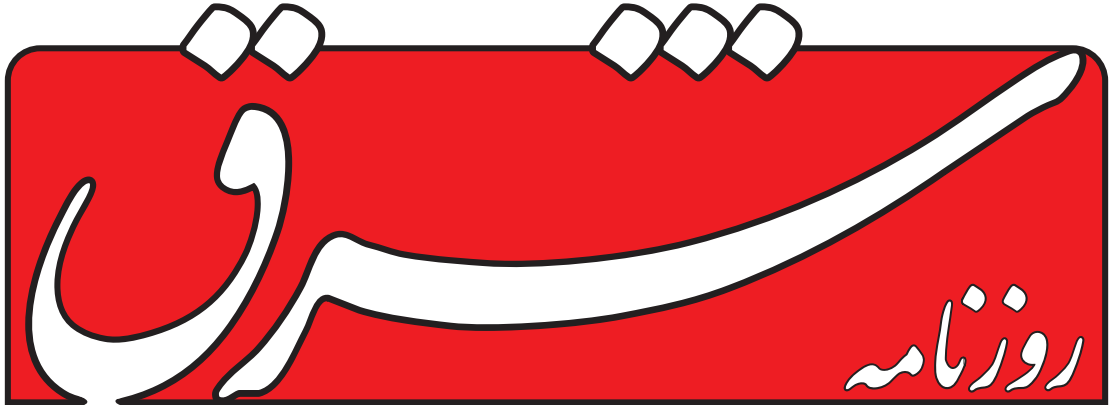
برخی نمایندگان گفته‌اند عمان موافقت اولیه خود را با طرح اعلام کرده است. روشن نیست که این گفته تا چه حد درست است. قبلا سعیدالمعولی، وزیر حمل‌ونقل عمان در ۱۹ فروردین گفته بود که «کشورش کلیه موافقت‌نامه‌های حمل‌ونقل دریایی را امضا کرده است که بر اساس آن، دریافت هرگونه هزینه برای عبور از تنگه هرمز ممنوع است». او تأکید کرده که این آبراه یک گذرگاه طبیعی است و نمی‌توان برای تردد در آن عوارضی دریافت کرد. البته برخی نمایندگان بعدا گفتند که در آخرین نسخه‌های طرح صحبتی از «عوارض» نیست و تنها در نظر است که در ازای ارائه خدمات، هزینه‌های مربوطه دریافت شود. اگر ملاحظات حقوق بین‌الملل مبنای این تغییر بوده باشد، نمایندگان محترم باید توجه داشته باشند که مطابق بند ۴ ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲، ارائه خدمات به صورت موردی و تنها در صورت درخواست کشتی‌ها دریافت می‌شود.

بعلاوه، وزارت خارجه عمان بعد از سفر یک هیئت سیاسی-حقوقی ایرانی به عمان در ۲۵ می، در بیانیه‌ای گفت: «مقامات ایران و عمان در مورد اصول حاکم بر آزادی دریانوردی در تنگه هرمز مطابق حقوق بین‌المللی و تلاش‌ها برای اعاده آزادی کشتیرانی در تنگه به نحو ایمن و پایدار» گفت‌وگو کردند.

صرف‌نظر از اینکه نیت واقعی عمان چیست و چگونه می‌اندیشد، تردید نیست که سخت تحت فشار منطقه و فرامنطقه است. بعد از اینکه در ۲۷ می، ترامپ تهدید کرد که «با عمان رفتارش مثل بقیه خواهد بود یا منفرج می‌کنیم»، وزیر خارجه داری آمریکا نیز تهدید کرد «هر کشوری که دریافت عوارضی در تنگه هرمز را تسهیل کند، به نحوی تهاجمی هدف تحریم قرار خواهد گرفت». صرف‌نظر از این تهدیدها، مسئله مهم‌تر این است که اولاً عمان و پنج کشور دیگر حاشیه خلیج فارس کنوانسیون ۱۹۸۲ را تصویب کرده و به آن متعهدند. ثانیاً ایران و عمان در سال ۱۹۴۴ فلات قاره خود را تحدید حدود و خط منصف در تنگه را به‌عنوان مرز کف و زیرکف خود تعیین کردند. در مورد مرز آبی نیز هم ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ و ماده ۴ قانون مناطق دریایی ایران تصریح کرده است که در غیاب توافقی بین دو کشور مقابل یا مجاور که تداخل دریایی سرزمینی داشته باشند، خط منصف مرز بین دریاهای سرزمینی آنها خواهد بود. بنابراین روشن نیست که عمان چقدر علاقه داشته باشد که سرش را که درد نمی‌کند، دستمال ببندد.

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس‌ها: سپند کانی، شرق

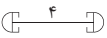
سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۵
۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۲ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۹۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



رئیس‌جمهور روسیه ۲۶ میلیارد دلار برای افزایش طول عمر هزینه می‌کند

پوتین در جست‌وجوی

راز جاودانگی



در «شرق» امروز می‌خوانید: تشدید تنش میان حزب‌الله و اسرائیل • پزشک‌ها در گفت‌وگو با نخست‌وزیر ژاپن: آمادگی تهران برای تسهیل تردد دریایی و تأمین امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از پیگیری‌های ناکام برای دستگیری عامل اصلی کشته‌شدن محیط‌بان «هدایت دیده‌بان»:

در جست‌وجوی قاتل نگهبان «خائیز»

پیام واحد از تهران به واشینگتن: آتش‌بس قابل تفکیک نیست

یا آتش‌بس در همه جبهه‌ها یا جنگ

دولت برای افزایش مبلغ یارانه حمایتی مطابق قانون به در بسته خورده است

گره‌اعتباری کالابرگ

گزارشی از صدودهمین همایش جهانی اسپراتو در قلب اروپا

نگاه

تاب‌آوری خریدنی نیست

یادداشتی از سمیه توحیدلو

یادداشت

هویت ملی، مشاهیر ملی و...



سید جواد جمالی

کارشناس اقتصادی

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی بر این عقیده هستند که وجود دولت به‌عنوان یک رکن اصلی برای بقا و قوام هر جامعه لازم و ضروری است. به عبارتی در نبود و فقدان دولت، جامعه دچار هرج‌ومرج و گسستگی خواهد شد. بنابراین دولت‌سازی باید به سراغ ملت‌سازی رفت. اندیشمندان تصریح می‌کنند که دولت‌سازی امری ضروری برای تداوم حیات یک جامعه است. فوکویاما اظهار می‌کند بعد از انجام دولت‌سازی باید به سراغ ملت‌سازی رفت. این معنی که بعد از تشکیل دولت، شرط لازم برای تداوم فعالیت دولت، ایجاد ملت است. او در ادامه اشاره می‌کند که لازمه ملت‌سازی، خلق هویت ملی است. منظور از دولت‌سازی، تأسیس نهادهای عینی و ملموس مانند ارتش، پلیس، بوروکراسی و تصویب قوانین و دستورالعمل‌های مورد نیاز است. در مقابل، ملت‌سازی ایجاد حسی از هویت ملی است که افراد به آن وفادار باشند. ملت‌سازی برخلاف دولت‌سازی، نیازمند ایجاد چیزهای ناملموسه همچون سنت‌های ملی و مذهب، نمادها، حافظه تاریخی مشترک و مراجع مشترک فرهنگی است. آندرسون معتقد است گسترش روزنامه‌ها بعد از اختراع صنعت چاپ در اروپا که عمده خوانندگانشان را طبقات متوسط تحصیل‌کرده تشکیل می‌دادند، تأثیر شگرفی بر ایجاد آگاهی ملی در قرن نوزدهم داشت...

همکار گرامی

سرکار خانم شیمیا بهره‌مند

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای

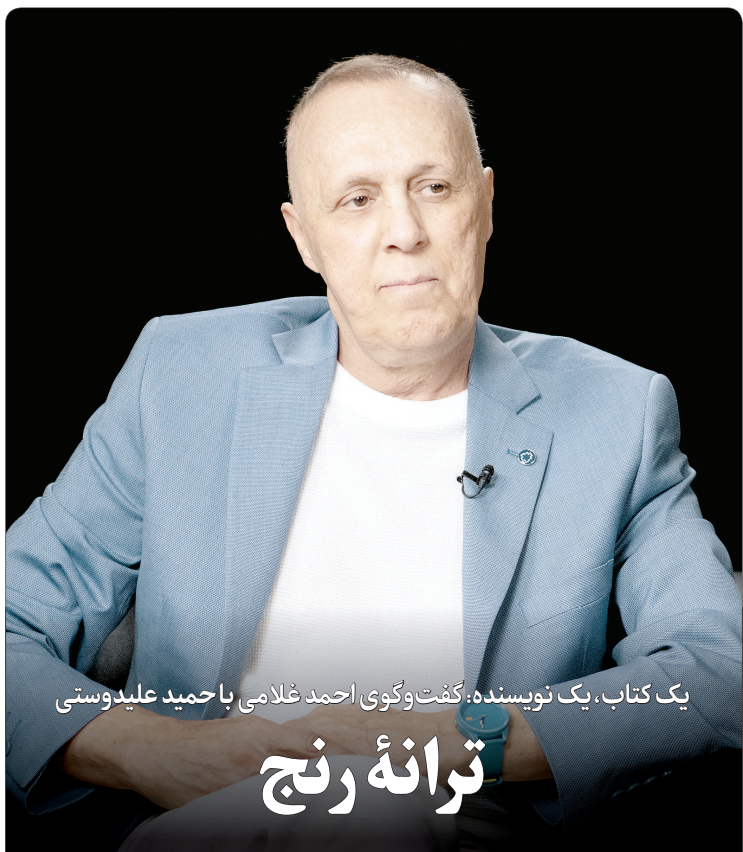
آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

روزنامه شرق

چرا یک هفته بعد از دستور رئیس‌جمهوری، وضعیت اتصال اینترنت هنوز به قبل برنگشته است؟

بازگشت نصفه‌ونیمه اینترنت

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید



این گفت‌وگو را در صفحه ۷ بخوانید

یک کتاب، یک نویسنده؛ گفت‌وگوی احمد غلامی با حمید علیدوستی

ترانه رنج



بازخوانی معادلات جنگ و مذاکره ترامپ با ایران در گفت‌وگو با عباس ملکی

تعلیق؛ راهبرد تازه ترامپ

یادداشت

در شرح و بسط ترومای خبرنگاران و رسانه



ترانه یلدا

معمار و شهروز

ندارد. از خبرنگاران خواستند در مواجهه با فاجعه موقتا احساسات خود را کنار بگذارند و بعدا هم حتما اعصابشان را ترمیم و بازیابی کنند، وگرنه تروما ماندگار می‌شود. جلالی گفت: خبرنگاران ناگزیر به سمت رنج می‌روند، پس باید به‌صورت ساختاری حمایت شوند و آموزش ببینند تا چگونه با تروما مقابله کنند. دکتر خانیکی هم مثل همیشه نظرات عمیق و تأثیرگذارشان را مطرح کردند. گفتند: تروما زمانی غالب می‌شود که خود خبرنگاران خط مقدم بحران، در تنگنای بقا قرار می‌گیرند. آنها ناچارند وارد یک مبارزه شوند تا خبرشان خریدار داشته باشد. خانیکی به‌درستی درد روزنامه‌های کم‌مشتري کاغذی را پیش کشید که از اثر دست‌رنجشان قدردانی نمی‌شود. و اینها به‌عنوان زخم‌های پنهان باقی می‌مانند، وقتی به آنها می‌خندند که: دیوانه‌ای به خودت این همه فشار می‌آوری! قطع اینترنت، اینترنت سفید و... هم که در اختیار همه خبرنگاران نیست و البته خیلی‌ها حاضر هم نیستند داشته باشند. خانیکی گفت: «این مثل کسی است که با دست و پای بسته بیندازندش در آب! بحران مخاطب، حس بی‌معنایی را ایجاد می‌کند. ما به‌نوعی برای بخش میانی (شاید کاستری) جامعه شاهد بی‌سانگی هستیم و این به بحران مخاطب دامن می‌زند. ما با ریزش مخاطب سنتی رویه‌رو هستیم». باید اضافه کرد که چه بسیار کیوسک‌های روزنامه در تمام شهرهای ایران که روزنامه‌های شرق، اعتماد، پیام و امثالهم را اصلا نمی‌آورند و نمی‌فروشند...

این گفت‌وگو را در صفحه ۳ ادامه در صفحه ۴

یادداشت

پارادوکس استراتژیک اقتصادی



محسن راجی اسدآبادی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی

چین و حدود ۴۵ درصد از نیاز وارداتی این کشور را تشکیل می‌دهد. با این سطح از وابستگی، هرگونه اختلال پایدار در این مسیر می‌تواند ضربه‌ای مهلک بر بیکره اقتصاد چین وارد آورد. هزینه تمام‌شده کالاهای صادراتی آن را به‌شدت افزایش دهد و در نتیجه جایگاه رقابتی ساخت چین را در بازارهای جهانی در برابر کالاهای آمریکایی تضعیف کند. این وضعیت، به طرز متناقضی می‌تواند به بخشی از اهداف اعلام‌نشده واشینگتن در جنگ تجاری جامه عمل بپوشاند. با این حال، در سوی دیگر این معادله، گزینه بازگشایی کامل تنگه هرمز و استقرار صلح و ثبات نیز برای واشینگتن یک کابوس اقتصادی تمام‌عیار به شمار می‌رود؛ چنین رویدادی به معنای بازگشت آرامش به بازارهای انرژی، کاهش شدید قیمت جهانی نفت و ازسرگیری بدون مانع صادرات نفت ایران به چین خواهد بود.

نقشی که ایران در این میان ایفا می‌کند، بسیار پررنگ است. صادرات نفت ایران به چین، علی‌رغم تشدید تحریم‌های آمریکا، نته‌تها کاهش نیافت، بلکه رکوردهای تاریخی را نیز شکسته است. در مارس ۲۰۲۵، صادرات نفت ایران به چین به رقم ۱.۸۱ میلیون بشکه در روز رسید که افزایشی ۲۲ درصدی نسبت به میانگین سال ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد. براساس گزارش اندیشکده سیاست انرژی دانشگاه کمبلیا، چین در سال ۲۰۲۵ روزانه ۱.۳۸ میلیون بشکه نفت از ایران وارد کرده است. این ارقام، ایران را به یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان نفت چین بدل کرده و دقیقا همان شکافی را پر می‌کند که آمریکا آرزوی تصاحب آن را داشت.

این گفت‌وگو را در صفحه ۳ ادامه در صفحه ۴

تحلیل مناسبات کنونی میان ایالات متحده و چین نشان می‌دهد که نقطه عزیمت بحران کنونی در تنگه هرمز، نه صرفا یک تنش ژئوپلیتیک، بلکه پیامد مستقیم شکست راهبردی واشینگتن در عرصه جنگ تعرفه‌ای است. ایالات متحده با هدف مهار رشد اقتصادی چین، اقدام به وضع تعرفه‌های تبهیبی گسترده کرد. منطق این راهبرد آن بود که افزایش هزینه‌های تولید در چین، زنجیره تأمین جهانی را تضعیف کرده و یکی را به پذیرش شروط واشینگتن وادار می‌کند؛ با این حال، نتیجه عملی، متفاوت از پیش‌بینی‌ها بود.

تعرفه‌های ۸۴درصدی که بر کالاهای چینی و همچنین نفت خام آمریکا اعمال شد، نه‌تنها به تغییر در سیاست‌های یکن‌بینجامید، بلکه فشار اقتصادی قابل توجهی را به خود ایالات متحده بازگرداند. براساس گزارش مؤسسه پیترسون برای اقتصاد بین‌الملل، این جنگ تعرفه‌ای رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا را تضعیف کرده و پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷، به ترتیب ۰.۳۳ و ۰.۳۳ درصد از آن بکاهد. نمود عینی این شکست در بازار انرژی به وضوح قابل مشاهده است. طبق داده‌های مؤسسه ورتکس، با احتساب تعرفه ۸۴درصدی، هزینه تمام‌شده هر بشکه نفت WTI آمریکا با قیمت پایه ۶۱ دلار، برای پالایشگاه‌های چینی به حدود ۱۱۲ دلار افزایش یافت. این هشج ۵۱دلاری، عملا نفت آمریکا را از سبب خرید بزرگ‌ترین واردکننده جهان حذف کرد. در پی این ناکامی، راهبرد ایالات متحده به سوی بهره‌گیری از اهرم ژئوپلیتیک انرژی و اعمال نفوذ بر گلوگاه‌های حیاتی، به‌ویژه تنگه هرمز، چرخش کرد؛ چرخشی که واشینگتن را در یک پارادوکس پیچیده اقتصادی-امنیتی گرفتار کرد. در چارچوب این راهبرد نوین، هدف کلان، ایجاد ساختاری برای مدیریت جریان انرژی جهان و تبدیل آن به ابزاری علیه یکن‌تعریف شد. برنامه‌ریزان آمریکایی در پی آن بودند که عرضه نفت از تمامی مسیرهای رقیب، ازجمله تولیدات داخلی ایالات متحده، متحدانش در حاشیه خلیج فارس، عراق و ونزولا، تحت اهرم و مدیریت واشینگتن درآید. در این پارل پیچیده، ایران به‌عنوان استثنایی خارج از چارچوب همسویی با این نظم تحمیلی، آخرین حلقه‌ای بود که می‌بایست مهار می‌شد. اما وقوع تنش‌های نظامی و احتمال مسدود شدن تنگه هرمز، این راهبرد را به بیراهه‌ای خطرناک کشاند و واشینگتن را با پارادوکسی مواجه کرد که ابعاد آن نیازمند واکاوی دقیق است.